

رئیس فراکسیون کارگری مجلس:
افزایش نرخ ارز
ریبعی به مزد کارگران ندارد



رئیس فراکسیون کارگری مجلس با انتقاد از اظهارات اخیر رئیس بانک مرکزی مبنی بر تأثیر افزایش مزد کارگران بر افزایش نرخ ارز گفت: بانک مرکزی باید برای مدیریت بازار برنامه مشخصی تنظیم کند.

به گزارش خبرگزاری خانه ملت، علی بابایی کارنامی در نشست دیروز مجلس گفت: متأسفانه رئیس بانک مرکزی افزایش نرخ ارزی بی‌ثباتی این بازار را ناشی از افزایش مزد کارگران کشور دانسته است، بانک مرکزی خود برای مدیریت بازار باید برنامه داشته باشد و تیم اقتصادی دولت نیز باید از برنامه کوتاه‌مدت میان‌مدت بر خوردار باشد.

نماینده ساری در مجلس افزود: متغیرهای بازار مشخص است و نمی‌توانیم مردم را رها کنیم و تورم نقطه به نقطه ۵۰ درصدی را به آنها تحمیل کنیم. کشور را احساسی نمی‌توان اداره کرد. اگر این بازار به درستی اداره شود، کسری بودجه نخواهیم داشت.



کارگران شهرداری ابرانشهر ۵ ماه حقوق طلبکارند

حدود ۵۰۰ کارگر شاغل در شهرداری ابرانشهر که به عنوان کارگر خدماتی و فضای سبز در سطح شهر فعالیت می‌کنند، ۵ ماه حقوق طلبکارند. یکی از این کارگران به ایلنا گفت: از مرداد ماه سال جاری تاکنون جمعا پنج ماه حقوق طلبکاریم. همچنین حق عیدی سال‌های گذشته نیز پرداخت نشده است.

این کارگر با اشاره به میانگین ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه کاری خود و همکارانش در شهرداری ابرانشهر گفت: ما کارگران با روزی ۸ تا ۱۲ ساعت کار سخت حداقل‌های مزدی محروم هستیم و مسئولان شهرداری به جای پیگیری مطالبات مان، معوقات مزدی پنج‌ماهه کارگران را تکذیب می‌کنند.



تاخیر ۵ ماهه در پرداخت دستمزد کارگران داروگر رشت

به گفته کارگران «داروگر رشت»، این عده در ۵ ماه گذشته و به دلیل کمبود منابع مالی موفق به دریافت مطالبات مزدی خود نشده‌اند.

به گزارش ایلنا به نقل از این کارگران که اغلب دارای سوابق ۱۰ تا ۱۵ ساله هستند، هر ماه این کارگران حقوق می‌گیرند اما آنچه دریافت می‌کنند مربوط به معوقات مزدی ماه‌های گذشته است. به عنوان مثال آخرین حقوقی که کارگران داروگر رشت دریافت کرده‌اند حقوق خرداد ماه بوده که در آذر ماه پرداخت شد. این کارگران افزودند: نگرانی ما از این است که با استمرار وضعیت فعلی کارخانه، معوقات مزدی در ماه‌های آینده افزایش پیدا کند.



یک کارگر در حادثه ریزش معدن جان باخت

حوالی ساعت ۱۰ صبح روز شنبه (سوم دی ماه) یک کارگر شرکت زغال‌سنگ کهن سرخس طبرستان در منطقه زغالی پسروده طیس، حین انجام کار در اثر ریزش پخش‌هایی از سقف تونل دچار حادثه شد و جان باخت. روابط عمومی شرکت زغال‌سنگ پرورده طیس در توضیح علت این حادثه گفت: ریزش سقف کارگاه زغالی که به روش سنتی در دست استخراج بود، موجب گرفتار شدن مرحوم جواد کوهی شد. طبق این گزارش، کارگر فوت‌شده از اهالی مینودشت استان گلستان بود.



مرگ یک کارگر نگیان در پروژه ساخت تونل تنگ هونی

یکی از کارگران پروژه تونل تنگ هونی در روستای گراب بافت از مرگ یکی از همکاران خود بر اثر ریزش دهانه تونل خبر داد.

به گزارش ایلنا، وی گفت: کارگر مذکور در استخدام یک شرکت پیمانکاری و نگیان تاسیسات و ماشین‌آلات تونل بود که آوار دهانه تونل بر اثر بارش سنگین برف روی کانکس و کارگر نگیان سقوط می‌کند. به گفته وی، این حادثه با مدام روز شنبه برای کارگر حدود ۲۹ ساله به نام «سماعیل علیجانی» از اهالی بخش بافت در شمال غربی استان چهارمحال و بختیاری اتفاق افتاده است.

زنان کارگری که در مظلومیت زیستند و سوختند

تاخت زدن «نان» با «جان»

نرسین هزاره مقدم

«۰۰۰متری محل حادثه، آتش‌نشانی بود... فقط دو کوچه فاصله داشتیم، فقط دو کوچه... خیلی دیر آمدند، رقتیم صدایشان کنیم... وقتی هم آمدند اصلاً آماده نبودند و آب هم نداشتند... این زن‌ها همگی سرپرست خانوار بودند، مادر چند بچه...» اینها بخشی از حرف‌های همشهری‌های عزادار پنج‌زن جان‌باخته در حادثه آتش‌سوزی مینی‌بوس بروجن است؛ حرف‌ها و انتقاداتی که بعد از شوک بزرگ اولیه در فضای مجازی مطرح شد: چرا پنج‌زن کارگر که به سادگی در آتش سوختند و جان خود را از دست دادند، آن‌هم در مکانی نزدیک به آتش‌نشانی و به خاطر یک کار کم‌درآمد فصلی؟

روزهای بعد از بیست و یکم آذر، روزی که مینی‌بوس حامل کارگران فصلی سردخانه بروجن به خاطر یک گاز پیک‌نیک دچار آتش‌سوزی شد، روزهای غمباری برای خانواده‌های کارگران فصلی بروجن بود. کارگران ساعت ۶:۳۰ صبح روز بیست و یکم آذر سوار مینی‌بوس بودند و در جاده نرفته به سمت بروجن، راهی محل کار. قرار بود این مینی‌بوس که از ۱۱ سرنشین آن ۹ نفر کارگر زن بودند، کارگران بیشتری را در مسیر سوار کند؛ مسیری که هر روز صبح به همین ترتیب با همین مینی‌بوس که کمتر بن‌وسلیه گرمایشی نداشت، طی می‌شد.

مرگ پنج‌زن به خاطر فرار از سرما

همکاران زنان جان‌باخته از سرمای شدید مسیر در ساعات ابتدایی صبح می‌گویند، از اینکه وسایل حمل و نقل، اصلاً ابزار گرمایشی ندارند و فقط مینی‌بوس‌های کهنه و قدیمی هستند و از اینکه زنان سوار بر مینی‌بوس در آن روز ناگوار، از فرط سرمای شدید مجبور شدند گاز پیک‌نیک را در فضای بسته ماشین روشن کنند؛ از اینکه هر روز اوضاع همین بوده و گرمایش فقط یک گاز پیک‌نیک ساده و خطرناک بوده. دقایقی بعد گاز پیک‌نیکي واژگون



یعقوبیان: زنان سرپرست خانوار بدون حمایت دولتی‌ها و بدون حمایت صدادایی برای دادخواهی، هر روز و همیشه در معرض خطر هستند؛ از آسیب‌های جسمی و روانی گرفته تا خطر مصدومیت و مرگ

می‌شود و شعله‌ها بالا می‌گیرد. این آتش‌سوزی ناگافل و دردناک، به مرگ آنی یک کارگر زن به نام «مقدس میرخانی» حدوداً ۲۵ ساله و مصدومیت ۷ کارگر زن دیگر با اسامی «میترا بخشی‌زاده» حدوداً ۴۰ ساله، «خاطره رضایی» ۱۹ ساله، «مریم بخشی‌پور» و خانم‌ها چراغی، میرزاخانی و فرهادی می‌انجامد.

مرگ آنی مقدس میرخانی، در ۳۵ سالگی و اوج جوانی و فقط با ۲۵ درصد سوختگی، هم دردناک است و هم عجیب. همکاران این زن سرپرست خانوار می‌گویند: «علت این مرگ آنی را نمی‌دانیم. این کارگران حین لوله‌گذاری در ریه در محل حادثه جان خود را از دست داد. شاید اگر این کار درست صورت می‌گرفت، مقدس به این سادگی جان خود را از دست نمی‌داد. او به دلیل سوختگی فوت نشد چون فقط ۲۵ درصد سوختگی داشت.»

بعد از حادثه، یکی از کارگران نجات‌یافته با کمک اهالی بلافاصله اقدام به اطلاع‌رسانی به آتش‌نشانی شهر نقنه می‌کند و آنها ۱۵ دقیقه بعد به محل حادثه می‌رسند هر چند فاصله کمتر از ۵۰۰ متر بوده است. آتش‌نشانان زمانی به محل حادثه رسیدند که اهالی نقنه باب و سایر تجهیزات اقدام به خاموش کردن آتش کرده بودند و به جز دو نفر، مابقی با سوختگی ۳۵ درصد سوختگی به یک مرگ آنی دچار شود.

اخبار مربوط به این زنان، هر چند به شدت دلخراش و رنج‌آور بود اما لایه‌لای اخبار دیگر، رسانه‌ها گم شد. توجه کمی به زندگی برادر پنج‌زن خانواده‌شد، پنج خانواده‌ای که به شهادت همکارانشان همگی بی‌سرپرست هستند و زنان جان‌باخته تنها نشان‌آور آن‌ها بودند. زندگی سخت این زن‌ها با مرگی بسیار سخت‌تر به پایان رسید، در حالی که کارگر فصلی بودند، بیمه در دست و حسابی نداشتند و فقط چند ماه از سال برای کار در سردخانه میوه و صیفی‌جات از روستاهای دور و نزدیک بروجن به کار گرفته می‌شدند.

وقتی به سر نوشت ناکام این زنان



کارگر و خانواده‌هایشان فکر می‌کنیم، چند سوال مدام در ذهن تکرار می‌شود: اگر این زن‌ها صدها هزاران نفر نظیر اینها که به اعتراف وزیر کار وقت در سال ۹۶ حدود دو میلیون زن در کشور در مشاغل غیر رسمی و فصلی مشغول به کار هستند، شغل ایمن، پایدار و شایسته داشتند، آیا هرگز برای کار فصلی، هر روز مسیری طولانی و پرخطر را طی می‌کردند؟ اگر الزامات قانون برای ایمن‌سازی محیط کار که باز بر اساس صراحت همان قانون، مسمیر رفت و آمد به کار را هم در برمی‌گیرد، به خوبی رعایت می‌شد و ناظران بر قانون یعنی بازرسان کار به تمام حیطه‌های پرخطر نظارت داشتند یا لااقل این کارگران حق شکایت و دادخواهی داشتند، به این مرگ دردناک دچار می‌شدند؟

سوالاتی که پاسخ ندارند

بدون تردید، نمی‌توانیم از «جایگاه زنان» سخن بگوییم بی‌اینکه زندگی سخت زنان کارگر و به طور مشخص این دو میلیون زن شاغل در مشاغل پرخطر و رسمی را در نظر داشته باشیم. زنان سرپرست خانوار، بدون بهره‌مندی از روابط نفوذ و بدون داشتن سرمایه آن‌چنانی، مجبور می‌شوند در فضای غیررسمی اقتصاد برای نان درآوردن، به سختی‌های بسیار تن دهند. زنان دست‌فروشی در مترو و گوشه و کنار خیابان‌ها، زنان شاغل در کارگاه‌های زیرزمینی، زنان کارگاه‌های خیریه بدون حقال دستمزد و بی‌بیمه و زنان فصلی کشاورزی و مشاغل وابسته مثل

دوین کند؟
خواهش، توصیه و تمای از دولت این است که کسری بودجه رما رقیقت کنند چون با توجه به این که ۵۰۴ سال است گرفتار تورم‌های بالای ۴۰ درصد هستیم، تداوم این تورم‌ها معیشت یک ملت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و واقعا تداوم زندگی را ناممکن می‌کند. یکی از مهم‌ترین ریشه‌های تورم ریز کسری بودجه‌هایی است که دولت‌ها ایجاد می‌کنند. اگر کسری بودجه همچنان تداوم پیدا کند، دوباره باید منتظر گرفتاری از حیث تورم بالا باشیم که از توان ملت خارج است.

فکر می‌کنید دولت سیزدهم در مهار تورم موفق بود؟

یکی از ریشه‌های اصلی تورم، بی‌انضباطی‌های بودجه‌ای دولت است. یکی از تصمیمات اشتباه افزایش ۷۵ درصدی حقوق کارگران بود که وزارت کار روی آن اصرار داشت و یک مصیبت برای کشور ایجاد شد. همچنین افزایش حقوق و دستمزد دها در برخی زمینه‌ها یادآور مدهای غیرواقعی بیانه که در لایحه بودجه سال گذشته دیده شده بود و دیدیم که محقق نشد. از فروش اموال یاز درآمدهای ناپایدار نمی‌شود برای هزینه پایدار عملاً خارج کرد. هزینه پایدار، درآمد پایدار می‌خواهد.

برای مثال، می‌خواستند حقوق اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها را افزایش بدهند. این به عنوان یک هزینه پایدار بود اما محل تأمین آن را فروش اموال گذاشته بودند. وقتی که حقوق اعضای هیات علمی دانشگاه با حقوق معلمان را خواهد افزایش دهد، این حقوق تا پایان عمرشان ادامه پیدا خواهد کرد. نمی‌شود که با درآمد ناپایدار، یک حقوق و دستمزد پایدار را تصویب کرد. بر این اساس، باید مراقبت شود که برای هزینه‌های پایدار، به درآمد ناپایدار اتکا کنیم.

مشخص است: سود هر چه بیشتر، بدیهی ست که کارفرمایان به دنبال سود آفرینی هر چه بیشتر هستند و در شرایطی که تأمین تجهیزات ایمنی به نسبت سابق گران‌تر شده، کمتر از قبل برای ایمنی هزینه می‌کنند اما اینکه وزارت کار به وظایف خود عمل نمی‌کند و بازرسان کار بیشتر از قبل، سخت‌گیری نمی‌کنند، تعجب‌برانگیز است.



احساس کنند که لایحه بودجه برای سال آینده با کسری بالایی همراه است، می‌تواند دوباره یک موج افزایش انتظارات تورمی را در پی داشته باشد و علامت منفی به اقتصاد ارسال کند.

البته دولت اعتقاد دارد که کسری بودجه ندارد.

مفهوم کسری بودجه این است که وقتی درآمدهای پایدار را با هزینه‌های پایدار مطابقت می‌دهید، مجبور می‌شوید اموال بفروشید یا اوراق منتشر کنید. انتشار اوراق مالی اسلامی با فروش اموال برای هزینه‌های جاری، مصداق کسری بودجه است. زمانی می‌توانیم بگوییم دولت کسری بودجه ندارد که درآمدهای پایدار و مطمئن، کفاف هزینه‌های پایدار را بدهد. انتشار اوراق مالی اسلامی یا فروش اموال برای پوشش هزینه‌های جاری، یک سیاست و راهبرداشتباه است که هم مصداق آینده‌فروشی است و هم مصداق عدم تعادل هزینه و درآمد. این مصیبت اقتصادی ما را در آینده سنگین‌تر می‌کند. ما هزینه‌های جاری را فقط باید با درآمد پایدار و به خصوص مالیات پوشش

هشدار نسبت به افزایش حوادث کار در ماه‌های اخیر

چهارم آذر ماه ۲ کارگر شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی پتروتل ماهان به دلیل گازگرفتگی در مخزن حلال نفتی در بوئین‌زهرای قزوین جان باختند. این حادثه در حالی رخ داد که شش‌گازهای اسیدی در مخزن فوق‌عامل اصلی مرگ

یک فعال صنفی نسبت به افزایش نرخ حوادث کار هشدار داد. ما باز گیلابی نژاد در گفت‌وگو با ایلنا، با اشاره به افزایش نرخ حوادث کار منجر به فوت در پاییز امسال، به مسئولیت‌سنجین ادارات کار در این زمینه اشاره می‌کند و می‌گوید: بیست و

چهارم آذر ماه ۲ کارگر شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی پتروتل ماهان به دلیل گازگرفتگی در مخزن حلال نفتی در بوئین‌زهرای قزوین جان باختند. این حادثه در حالی رخ داد که شش‌گازهای اسیدی در مخزن فوق‌عامل اصلی مرگ